

رابطه باورهای خرافی با سبک‌های پردازش اطلاعات و حس عاملیت در افراد

مراجعه کننده به رمال

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۷/۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱/۳۰

سجاد بشرپور^۱

شیوا رحیم زادگان^{۲*}

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: پژوهش‌ها نشان داده‌اند که سبک‌های پردازش اطلاعات تعیین کننده مهم برای باور به خرافات هستند و افراد خرافی احساس کنترل کمتری بر سرنوشت خود دارند، لذا هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی رابطه باورهای خرافی با سبک‌های پردازش اطلاعات و حس عاملیت در افراد مراجعه کننده به رمال است.

روش: طرح پژوهش جزء تحقیقات توصیفی-همبستگی، جامعه آماری پژوهش حاضر ۴۲۵ نفر از افراد مراجعه کننده به رمال و فالگیر در شهرستان ارومیه و نمونه پژوهش شامل ۲۰۰ نفر بود که به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. به منظور جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه های سبک‌های پردازش اطلاعات اپستین و پاسینی (۱۹۹۹)، اعتقاد به خرافات محقق ساخته (۱۳۹۸) و حس عاملیت (وودی و همکاران، ۲۰۱۳) استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده ها از همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که سبک پردازش خرد گرایی و حس عاملیت با باورهای خرافی رابطه منفی معنی دار و سبک پردازش تجربه‌ای با باورهای خرافی رابطه مثبت دارند و هر سه قادر به پیش بینی باورهای خرافی می‌باشند ($p < .01$).

نتیجه گیری: با توجه به ارتباط باورهای خرافی با سبک‌های پردازش اطلاعات و حس عاملیت، نتایج این مطالعه دارای کارکردهایی برای کاهش گسترش خرافه گرایی و رمالی در جامعه است.

کلمات کلیدی: باورهای خرافی، سبک‌های پردازش اطلاعات، حس عاملیت

۱. استاد گروه آموزشی روان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل- ایران.

۲. دانشجوی دکتری روان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل- ایران.

* نویسنده مسئول: shiva. Rahimzadegan65@gmail.com

Relationship Between Superstitious Beliefs, Information Processing Styles and Sense of Agency Among People Going to a Fortuneteller

Sajjad Basharpour¹
Shiva Rahimzadegan^{2*}

Original Article

Abstract

Introduction: Researches have shown that information processing styles are an important determination for superstitious beliefs and superstitious people have less sense of control over their destination. The purpose of this study was to investigate the relationship between superstitious beliefs, information processing styles, and a sense of agency among people going to a fortuneteller.

Method: The research design is descriptive-correlational. The statistical population includes 425 people that going to a fortuneteller in Urmia. The sample of the study is 200 people selected by the available sampling method. To collect information, the information Process Styles questionnaire of Epstein and Pacini (1999), the superstitious belief questionnaire (2019), and The sense of agency rating scale (2013) were used. for data analysis, the Pearson correlation and multivariable regression were used

Results: The results showed that there was a negative and significant relationship between the rationalism information process, sense of agency with superstitious beliefs, and The positive significant relationship between the intuitionism information process and superstitious beliefs. regression analysis showed that all of them predicted significantly the superstitious beliefs ($P < 0/01$).

Conclusion: Considering the significant relationship between superstitious beliefs, information processing styles, and a sense of agency, the results of this study have implications for reducing superstitious and fortunetelling expansion in society.

Keywords: Superstitious Beliefs, Information Process Styles, Sense of Agency

1. Professor of Psychology, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil-Iran.

2. P.hd Student, Department of Psychology, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil- Iran.

*Corresponding Author: E-mail: shiva.rahimzadegan65@gmail.com

مقدمه

برای تحقق هر پدیده اجتماعی شرایط ذهنی و عینی لازم است. در شرایط کنونی که جوامع با سرعت روزافزون در حال تغییر و تحول هستند، توسعه دغدغه اصلی بیشتر جوامع است و عوامل فرهنگی و اجتماعی متعددی در این زمینه نقش دارند. چنین جهشی نیازمند مردمی با انگیزه‌های لازم و با سطح عقلانیت و رشد فرهنگی بالاست. مردمی که در دنیای امروز برای حل مشکلات خود بی‌هیچ حرکتی منتظر دست‌های نامرئی باشند، از جادوگران یاری بخواهند و چنان در شکل و ظاهر امور غرق شوند که به عمق امور پی نبرند، نمی‌توانند افراد خوبی برای توسعه یک کشور باشند. یکی از اجزاء تشکیل دهنده فرهنگ هر جامعه‌ای باورها و اعتقادات آن جامعه است. بخشی از باورهای هر جامعه مبتنی بر بنیان‌های ثابت شده و عقل و منطق است، بخشی نیز بر مبنای موهومات و عوامل بی‌پایه بنا نهاده شده است. قسمتی از باورها که علل آن موهوم بوده و بر مبنای عقل و منطق بنا نشده باشد، خرافات نامیده می‌شود (رمضانی، ۱۳۹۷). بشر از ابتدای هستی تا کنون، برای تبیین هر پدیده‌ای به موارد گوناگونی متوسل شده است. زمانی که علم وی از امور جهان محدود و ناقص بود، هر پدیده‌ای را به خدایان، ارواح، و امور ماوراء الطبیعه نسبت می‌داد و در مواقع ترس و احساس ناامنی، برای رفع و کاستن آنها به مراسم‌های مختلف، سحر، جادو، دعانویسی و به طور کلی، خرافات روی می‌آورد (شریعتی و انصافی مهربانی، ۱۳۹۵). در لغت نامه‌های معتبر انگلیسی برای تعریف خرافات از واژه‌هایی مانند غیرعقلانی، غیرعلمی، ترس، ابهام، نادانی و غیره استفاده می‌شود که بر این اساس خرافه را یک معرفت و باور نادرست و غلط معرفی می‌نمایند (ریزن، ۲۰۱۶). در زبان فارسی نیز خرافه، «حدیث باطل، سخن بیهوده و یاوه و اسطوره» (عمید، ۱۳۶۵: ذیل خرافه) معنا شده است. خرافات، به امور ماوراء طبیعی و غیرقابل باور و اثبات نشده (همانند جادوگری و طالع بینی) گفته می‌شود که در تضاد با علوم طبیعی یا غیرقابل درک مستقیم توسط حواس و یا خارج از حد دانش انسانی است (به نقل از ثروت یاری، گروسسی و یوسفی ۱۳۹۷).

لام و کا چیو فونگ^۱ (۲۰۱۸)، عنوان می‌کنند که خرافه مجموعه پاسخ‌های موقعیتی^۳ انباشت شده است که پایه و اساسی برای باور به وجود علیت میان دو چیز فراهم می‌آورد، بنابراین خرافات راه‌ها و شیوه‌هایی است که انسان‌ها درباره‌ی وجود رابطه‌ی علی میان دو رویدادی که همزمان واقع شده‌اند، می‌یابند. هم‌اکنون می‌توان دید که در جوامع کاملاً صنعتی شده و تحت نظام سرمایه‌داری، هنوز خرافات به صورت جمعی بازتولید می‌شود و علم‌گرایی مدرن نتوانسته است به طور کامل از جامعه خرافه‌زدایی کند. در ارتباط با این موضوع، آن‌چه برای یک پژوهشگر ایرانی می‌تواند مسئله باشد و ذهن او را به خود معطوف سازد، تاثیراتی است که

1. Risen

2. Lam & Ka Chio Fong

3. Situational

باورهای فرهنگی بر روند جامعه می‌گذارد. تغییراتی که در باورها و ارزش‌های مردم رخ می‌دهد، نه تنها خود روند توسعه را کانالیزه می‌کند، بلکه مهم‌تر از آن، شکل جامعه را مدام دستخوش دگرگونی می‌کند (سنگدهی حمیدی، ۱۳۹۷). هرچند داده‌ها و شواهد تجربی که نشان دهند در گذشته چه میزان مردم به فالگیری اقبال نشان داده‌اند و هم اکنون چه تعداد مردم فال می‌گیرند، به رمال (فال‌گیر) مراجعه می‌کنند یا چه میزان بر فعالیت‌های رمالی افزوده شده است، وجود ندارد؛ اما می‌توان این واقعیت را پذیرفت که فالگیری همیشه در زندگی بشر وجود داشته است. در واقع خرافات در مواقع حساس و لحظه‌های عدم اطمینان بوجود می‌آید و مراجعه به رمال و فالگیر، وسیله‌ای است برای تسکین و احساس آرامش (خالق پناه، میرزاوندیان و جلوند، ۱۳۹۵). خرافات در هر قوم و ملتی جایگاه خاصی دارد. هر فرد در طول شب و روز آگاهانه یا ناآگاهانه در رفتار خود به شکل‌های گوناگون از باورها و اعتقادات خرافی استفاده می‌کند. حتی امروزه که بیشتر حوادث و مسائل را می‌توان با رویکرد علمی حل کرد و با نگاهی اندیشمندانه به آن‌ها نگرست، هنوز برخی افراد به خرافات باقی مانده از نسل پیش از خود پایبندند و در فرایند جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری آن را به نسل بعد از خود منتقل می‌کنند. از این رو شناخت دقیق‌تر موضوع می‌تواند فرایند جامعه‌پذیری را با آگاهی بیشتری همراه سازد (جهانشاهی افشار و شمس‌الدینی مطلق، ۱۳۹۳). بارزترین مصداق اندیشه‌های انحرافی همان چیزی است که به آن خرافات گفته می‌شود. خرافات در فرهنگ معنوی جامعه از مقوله‌های شعور اجتماعی است و از نظر منشاء از میراث اجتماعی قدیمی بازمانده از اقوام باستانی می‌باشد که امروزه از آسیب‌های اجتماعی شمرده می‌شود. از این‌رو جنبه بدآموزی داشته و صفت بازدارندگی از پیشرفت از مشخصه‌های آن است و در جوامع سنتی و ایستا بیشتر رواج دارد (صفایی، طیبی‌نیا و عرفانی، ۱۳۸۹). با آنکه برای پیشگیری از وقوع رخدادها، بیشتر تاکید بر روش منطقی است، بعضی اوقات در ادبیات هر ملتی، روش غیرمنطقی در پیش گرفته می‌شود. (گرین هیل و اپنهام، ۲۰۱۷). در دهه‌های اخیر، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که سبک‌های پردازش اطلاعات نیز، تعیین‌کننده‌های مهم برای باور به خرافات و عقاید غیرمنطقی هستند (آفرین، ۲۰۱۸). بر اساس نظریه شناختی - تجربه‌گرایی (شهودی)، دنیا از طریق دو نظام پردازش اطلاعات در افراد مفهوم‌سازی می‌شود. خردگرایی^۳ و تجربه‌گرایی^۴ یا شهودگرایی^۵ (اپستین^۶ و پاسینی^۷، ۱۹۹۹). سبک خردگرایی (منطقی)، بیشتر کلامی، تحلیلی، آگاهانه و نسبتاً کند است که رفتارها را از طریق ارزیابی آگاهانه‌ی رویدادها میانجی‌گری می‌کند. این سبک به علت استدلال منطقی در موقعیت‌های اجتماعی، کاهش جانبداری‌ها و سوگیری‌ها و

1. Greenhill & Oppenheim
2. Afreen
3. Rationality
4. Experientiality
5. Intuitive
6. Epstein
7. Pacini

تمرکز بر جنبه‌های مهم اطلاعات اجتماعی باعث تصمیمات مؤثر شده و از خرافه‌گرایی پرهیز می‌کند، در مقابل، سبک تجربه‌گرایی یا شهودگرایی، فطری و انطباقی است و به ما این امکان را می‌دهد تا از تجربه یاد بگیریم. صاحب‌نظران در تحلیل این مفاهیم، عمدتاً بر نوگرایی در نقطه مقابل خرافه‌گرایی تأکید کرده‌اند. در جوامع سنتی، جو فکری غالب به طور کلی، عاطفی و اساطیری و شهودی است که باعث می‌شود ذهن در حال رشد فرد را چنان شکل دهند که پذیرای تداوم چیزی باشد که آن را به‌طور کلی خرافات می‌نامند، اما در جوامع علمی که بر خردگرایی تکیه دارد، اندیشه اولیه کنار گذاشته و نفی می‌شود و به تشکیل یک جهان‌بینی عینی کمک می‌کند (حسینی مهدی آبادی، رستمی و یاراحمدی، ۱۳۹۵). مطالعات پیشین، ارتباط بین سبک پردازش شهودی و استدلال خرافی و باورهای غیرعادی را نشان داده‌اند (لازر، بائوم، بنکлер، بیرنسکی، گرین هیل، منزر و اسکادسون^۱، ۲۰۱۸). اپستین و پاسینی (۱۹۹۹)، مطرح می‌کنند که سیستم شهودی (که در آن، هر چیزی که دیده می‌شود، باور می‌شود) بر گرایش انسان‌ها برای باور پدیده‌های خارق‌العاده دلالت دارد.

از سوی دیگر بسیاری از باورهای خرافی در حیات اجتماعی کارکرد دارند. کارکردهایی از قبیل انسجام بخشی، کاهش احساس تهدید و خطر و افزایش حس کنترل و اطمینان (ربیعی، ۱۳۹۴). در واقع خاستگاه حقیقی خرافات را باید در ناتوانی انسان و مساعی گرفتن برای توضیح اسرار طبیعت و تقدیرگرایی دانست. (شعبی، ۱۳۹۲). تقدیرگرایی پدیده‌ای اجتماعی است که ریشه در تجربه تاریخی و مسائل سیاسی دارد. یکی از علل تداوم و بقای تقدیرگرایی، کارکردی است که برای جامعه ایفا می‌کند. اعتقاد به تقدیر، مقاومت انسان‌ها را در مقابل سختی‌ها و ناملازمات قوت می‌بخشد و تحمل مصائبی که آدمی بر آن احاطه ندارد را آسانتر می‌کند (شریعتی و انصافی مهربانی، ۱۳۹۵). شالوده‌های اصلی و زمینه‌های تاریخی شکل‌گیری خرافات به جهل و ناآگاهی انسان و عدم کنترل محیط توسط او بر می‌گردد، افراد خرافی احساس می‌کنند کنترل کمتری بر سرنوشت و آینده خود دارند و لذا از حس عاملیت کمتری برخوردارند. حس عاملیت، به این احساس اشاره دارد که ما به طور ارادی بر اعمال خود و از طریق آنها بر رویدادهای جهان بیرونی کنترل داریم (آدام، الا، رویون و باروخ^۲، ۲۰۱۷). توانایی کنترل رویدادهای بیرونی از طریق اعمال خودمان، یکی از جنبه‌های اساسی تجربه بشر است (هامرمان^۳، ۲۰۱۳). احساس عاملیت به تجربه آغازگری و کنترل اعمال، به منظور تأثیرگذاری بر رویدادهای دنیای خارج از فرد یا محیط اشاره دارد (مور^۴، ۲۰۱۶). رفتارها و اعمال ما اغلب با احساس عاملیت همراهند، یعنی تجربه کنترل اعمال و رفتارمان و اثرات آنها (فارر^۵، ولنتین^۱ و هوپ^۲، ۲۰۱۳). بین سیستم پردازش تجربه

1. Lazer, Baum, Benkler, Berinsky, Greenhill, Menczer & Schudson

2. Adam, Ela, Reuven & Baruch

3. Hamerman

4. Moor

5. Farrer

ای(شهودی) و باور خرافات و ماوراء الطبیعه، همبستگی مثبت گزارش شده است(ایگوبین^۳، ۲۰۱۱). همچنین در تحقیقی نشان داده شد که افراد با سبک پردازش اطلاعات خردگرایی(منطقی) احتمال کمتری دارد که شایعات را باور کنند. در مقابل، افراد با سبک پردازش تجربه ایی(شهودی) گرایش بیشتری برای پذیرش شایعه دارند(کایشینگ، اکسلینگ، کیایو، میکی، لینگنان^۴، ۲۰۱۹).

ادبیات پژوهشی همچنین نشان از ارتباط عاملیت با پیامدهای اجتماعی مثبت مانند حل مسئله موثر و کفایت اجتماعی می شود(فراهانی، یار محمدیان، ملک پور و عابدی، ۱۳۹۶). بر اساس نتایج تحقیقات، مردم خرافاتی احساس عدم کنترل بر رویدادهای زندگی دارند(مور^۵، ۲۰۱۶). مطالعات مک گریگور، نش و تاپر^۶ (۲۰۰۸)، گویای آن است که هرچه رویدادها و محیط پیرامون شفاف تر، قابل کنترل تر و قابل پیش بینی تر باشد، به همان اندازه گرایش به باورهای خرافی کاهش می یابند. دهقانی و ابراهیمی(۱۳۹۸) در پژوهش خود، به این نتیجه دست یافتند که بین متغیر احساس امنیت روانی و اجتماعی با گرایش به خرافات رابطه معنی دار وجود دارد و دانشجویانی که کمترین میزان احساس امنیت روانی، نااطمینانی به آینده را داشتند، بیشترین میزان گرایش به خرافات را نشان دادند. با توجه به اینکه امروزه بیشتر حوادث و مسائل را می توان با رویکرد علمی حل کرد و با نگاهی اندیشمندانه و عالمانه به آن ها نگرست، هنوز برخی افراد به خرافات باقی مانده از نسل پیش از خود پایبندند و در فرآیند جامعه پذیری و فرهنگ پذیری، آن را به نسل بعد از خود منتقل می کنند، از این رو شناخت دقیق تر موضوع، می تواند فرآیند جامعه پذیری را با آگاهی بیشتری همراه سازد(آراد^۷، ۲۰۱۴).

اندیشه خرافی اثر نامطلوب بر الگوهای رفتاری جامعه می گذارد، زیرا با اتکا به بخت و اقبال بلند، روحیه کار و تلاش از بین می رود و از سوی دیگر روحیه برخورد علمی و جستجوگری در جامعه گسترش نمی یابد و همچنین باورهای خرافی عاملی مزاحم در مسیر حرکت و رشد معنوی و تعالی اخلاقی جامعه است(اوفوری، تاد و لاولی^۸، ۲۰۱۷). بنابراین می توان گفت قرار گرفتن اساس زندگی بر پایه پوچی به جای تکیه بر حقیقت امور، کاهش اتکا به نفس و وابستگی به خرافات در اعمال و رفتار، مانع تحقق روش های درست علمی و دور شدن از واقعیت و در نهایت جلوگیری از پیشرفت کل جامعه، از پیامدهای منفی شیوع خرافه گرایی در فرد و جامعه است. در سال های اخیر، گسترش و تنوع روش های رمالی، پذیرش اجتماعی این پدیده، رجوع دارندگان مدارک دانشگاهی به فالگیری، سبب اهمیت روز افزون این موضوع شده است(حیدریه زاده،

1. Valentin
2. Hupe
3. Eugene
4. Kaishieng, Xilling Xiaoya, Meiqi & Lingnan
5. Moor
6. MacGregor, Nash & Taper
7. Arad
8. Ofori, Tod & Lavalley

۱۳۹۷). حدود ۵ درصد از طلاق‌ها با موضوع فالگیری، رمالی و جادوگری ارتباط دارد. علاوه بر این، جرایم متعدد دیگری، مانند: سوء استفاده جنسی، کلاهبرداری و سرقت نیز توسط رمالان رخ داده است (آذرمی، فرهادی، رشید و یارمحمدی واصل، ۱۳۹۸). با توجه به این موارد، ضرورت دارد، کارکردها و دلالت‌های معنایی فالگیری و پیامدهای آن در زندگی اجتماعی و خانوادگی افراد واکاوی شود، به ویژه اینکه امروزه فالگیری و طالع بینی نه تنها به حوزه های سنتی زندگی افراد، بلکه به حوزه های نوین زندگی هم رسوخ کرده و در زیر نقاب به ظاهر فردگرایی جامعه نوین، اشتیاق گسترده نسبت به پدیده های اسرار آمیز فزونی یافته است (هاریش، ۲۰۱۶). این پژوهش، از میان انواع رمالی، به بررسی فال قهوه، تاروت و دعا نویسی می پردازد که امروزه رواج بیشتری دارد. این مسئله در شهر ارومیه با وجود ارتقاء سرمایه های اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی، نمود قابل توجهی به خود گرفته است. تعدد مراکز فالگیری در سطح شهر نیز به نوعی مؤید تقاضای اجتماعی به این قسم کنش اجتماعی و فرهنگی است.

با توجه به ادبیات تجربی فالگیری، این دسته از مطالعات، طالع بینی و دعانویسی را در ذیل رفتارهای خرافی دسته بندی نموده اند. از آنجا که در این دسته از مطالعات در تبیین فالگیری و گرایش به رفتارهای خرافی، با اتخاذ به نگاه بیرونی به عواملی چون بخت گشایی، حل اختلافات زناشویی، شفاء، پسرزایی و کنجکاوی نسبت به آینده (دهقانی و ابراهیمی، ۱۳۹۸)، اشاره شده است و تبیینی در مورد علل روان شناختی و فردی و اجتماعی در گرایش به باورهای خرافی و مراجعه به رمال اشاره نشده و با توجه به نفوذ و نقش خرافات در تفکرات افراد و خطرات آن برای جامعه از قبیل کاهش تفکر انتقادی و تجزیه و تحلیل مسائل، تقدیرگرایی، باور و اعتقاد افراد به نداشتن کنترل و حس عاملیت بر رویدادها و در نتیجه تاثیرات منفی انکار ناپذیر آن بر رفتار مردم و احتمال تسلیم در برابر رخدادها و در نتیجه تمسک به هر امری برای حل مشکلات و مسائل از قبیل رمال و دعانویس و از آنجایی که خرافات همواره با زمینه سیاسی و اجتماعی هر کشور پیوند دارد، از این رو مسئله خرافات علی‌رغم ظاهر فرهنگی آن، در زمره موضوعات مهم اجتماعی درمی‌آید، چرا که انگیزه‌ها و محرک‌های سالم و کنشگر اجتماعی را تخریب می‌نماید و پیشرفت جامعه و کشور را متوقف می‌سازد، لذا هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه باورهای خرافی با سبک‌های پردازش اطلاعات و حس عاملیت در افراد مراجعه کننده به رمال می باشد.

روش

جامعه آماری این پژوهش شامل ۴۲۵ نفر از افراد مراجعه کننده به رمال و فالگیر در شهرستان ارومیه بود. به منظور انتخاب نمونه، بر اساس جدول کرجسی و مورگان، ۲۰۰ نفر (۱۶۵ زن و ۴۵ مرد)، به روش در دسترس انتخاب شدند. میانگین سنی گروه نمونه ۳۴ سال بود.

ابزارهای پژوهش

الف) پرسشنامه سبک‌های پردازش اطلاعات: پاسینی و اپستین^۱ در سال ۱۹۹۹ پرسشنامه ی خردگرایی - تجربه گرایی (REI) را برای سنجش ترجیحات افراد در سبک‌های پردازش اطلاعات توسعه دادند (اپستین، ۱۹۹۴). این پرسشنامه شامل ۲۲ سؤال است و از پاسخ دهندگان خواسته می شود تا عقاید خودشان درباره ی هر سؤال یا ماده را بر روی یک مقیاس پنج درجه ای لیکرتی (۱=کاملاً مخالفم و ۵=کاملاً موافقم)، مشخص می کنند. در این پرسشنامه برخی از سئوالات پرسشنامه به صورت معکوس نمره گذاری می شوند. رضایی در سال ۱۳۹۱ با استفاده از تحلیل عاملی، دو عامل را در این پرسشنامه شناسایی کرد (حسینی مهدی آبادی، رستمی، یار احمدی، ۱۳۹۵). تحقیقات انجام گرفته با این پرسشنامه به صورت همخوان نشان داده اند که هر دو مقیاس این پرسشنامه از همسانی درونی ($\alpha > 0.85$) و بازآزمایی ($r > 0.76$) خوبی برخوردارند. اسلاک، بوند و فیلیپس نیز در سال ۲۰۱۰ پایایی همسانی درونی یعنی آلفای کرونباخ ۰/۹۰ برای مقیاس خردگرایی و ۰/۸۴ برای مقیاس تجربه گرایی را گزارش کرده اند. روایی پرسشنامه برای مقیاس خردگرایی ۰/۶۶ و برای مقیاس تجربه گرایی ۰/۶۴ گزارش شده است (رضایی، ۱۳۹۱).

ب) پرسشنامه اعتقاد به خرافات: این پرسشنامه محقق ساخته خرافه گرایی بود که شامل دو قسمت باور به خرافات شامل ۱۸ سؤال و بخش سئوالات مربوط به اعتقاد به خرافات ۲۸ سؤال بود. هر دو قسمت به شکل طیف لیکرت چهار گزینه ای بود. برای تعیین پایایی این پرسشنامه pre - test روی ۵۰ نفر از نمونه ها انجام شد و پایایی آن برابر آلفا کرونباخ ۰/۸۲ و همچنین پایایی این پرسشنامه روی کل نمونه های این مطالعه با آلفای کرونباخ ۰/۹۷ بود. روایی این پرسشنامه توسط گروه روانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی کردستان در سال ۱۳۹۲ مورد تأیید قرار گرفت (ثروت یاری، گروسی و یوسفی، ۱۳۹۷).

پ) مقیاس امتیازدهی حس عاملیت: این مقیاس یک ابزار تجربی است که توسط وودی و همکاران^۲ (۲۰۱۳) برای ارزیابی توانایی افراد در انجام کارها به طور مستقل طراحی شده است. این مقیاس شامل ۱۰ گویه است که حس عاملیت را در مقیاس لیکرت ۷ درجه ای از کاملاً

1. Passini & Epstein
2. Woody & Et al

مخالفم (۱ امتیاز) تا کاملاً موافقم (۷ امتیاز) در ۲ خرده مقیاس بی‌اختیاری^۱ (سئوال‌ات ۲، ۳، ۵، ۶ و بی‌تلاشی^۲ (سئوال‌ات ۱، ۴، ۷، ۸، ۱۰) اندازه می‌گیرد. ماده‌های مربوط به بی‌اختیاری، میزان خودکار بودن اعمال را توصیف می‌کنند که در این حالت اعمال فرد، متمرکز بر منبع کنترل بیرونی است و ماده‌های مربوط به بی‌تلاشی میزان سهولت اعمال را توصیف می‌کنند. در این حالت اعمال فرد بیشتر متمرکز بر تجربه منفعل رویدادهاست. در مطالعه تحلیل عاملی این پرسشنامه نشان داد که ۲ عامل بی‌اختیاری و بی‌تلاشی می‌تواند ۴۸/۲٪ از کل واریانس سئوال‌ات این پرسشنامه را تبیین کند و همبستگی بین ۲ عامل نیز ۵۵/۰٪ گزارش شده است. ضرایب آلفای کرونباخ خرده مقیاس بی‌اختیاری ۰/۹ و بی‌تلاشی ۰/۷۳ به دست آمده است. این پرسشنامه برای اولین بار توسط مولف اول این مقاله به فارسی برگردانده و سپس توسط یک کارشناس ارشد زبان انگلیسی، ترجمه معکوس شده است. در مرحله بعد گویه‌ها در اختیار ۳ روانشناس عضو هیات علمی دانشگاه با مرتبه دانشجویی قرار گرفت که بعد از تایید روایی صوری آن در پژوهش حاضر نیز برای بی‌اختیاری ۰/۶۷ و برای بی‌تلاشی ۰/۶ به دست آمد (بشرپور و احمدی، ۱۳۹۶).

یافته‌ها

اطلاعات مربوط به تجزیه و تحلیل آمار توصیفی بر اساس میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای مورد مطالعه در جدول زیر آمده است.

جدول ۱. یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	تعداد کل
باورهای خرافی	۶۶/۲۸	۱۸/۹۸	۲۰۰
سبک پردازش خردگرایی	۳۳/۴۹	۹/۲۲	۲۰۰
سبک پردازش شهودگرایی	۴۰/۲۰	۷/۳۴	۲۰۰
حس عاملیت	۴۱	۸/۲۴	۲۰۰
مولفه بی‌اختیاری	۳۱/۳۶	۲۰/۴	۲۰۰
مولفه سادگی	۱۹/۲۷	۴/۹۶	۲۰۰

به منظور تحلیل استنباطی و بررسی فرضیه‌های پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شد جدول ۲، ماتریس همبستگی را نشان می‌دهد.

جدول ۲. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	M (±SD)	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱. باورهای خرافی	۶۶/۲۸ (۱۸/۹۸)						
۲. سبک پردازش خردگرایی	۳۳/۴۹ (۹/۲۲)	-.۰۴۶۶**					
۳. سبک پردازش شهودگرایی	۴۰/۲۰ (۷/۳۴)	-.۰۲۸۵**	-.۰۱۸۴**				
۴. حس عاملیت	۴۱/۱۰۰ (۸/۲۴)	-.۰۲۱۹**	-.۰۲۵۶**	-.۰۰۲۳			
۵. مولفه بی‌اختیاری	۲۱/۳۶ (۴/۲۰)	-.۰۳۰۳**	-.۰۲۵۸**	-.۰۱۲۰	-.۰۸۲۱**		
۶. مولفه سادگی	۱۹/۳۷ (۴/۹۶)	-.۰۱۲۸	-.۰۵۳۷**	-.۰۰۷۰	-.۰۸۷۳**	-.۰۵۳۷**	۱

** = $p < .01$

* = $p < .05$

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که سبک پردازش خرد گرایی با حس عاملیت ($p < .01$)، همبستگی مثبت معنی دار و با باورهای خرافی ($p < .01$)، همبستگی منفی معنی دار و سبک پردازش شهود گرایی با باورهای خرافی ($p < .01$)، همبستگی معنی دار دارند. همچنین حس عاملیت با باورهای خرافی ($p < .01$)، همبستگی منفی معنی دار دارد.

جدول ۳. ضرایب رگرسیون چند گانه برای پیش‌بینی باورهای خرافی براساس سبک‌های پردازش

اطلاعات و حس عاملیت

متغیر	B	SE	Beta	t	F	R	R2	P
سبک پردازش خرد گرایی	-.۰۸۸	۰/۱۳	-.۰۴۲	-۶/۸۵	۰۰۰	۰/۵۰	۰/۲۶	۰/۰۰۱
سبک پردازش شهود گرایی	۰/۵۴	۰/۱۶	۰/۲۰	۳/۳۶	۵۴/۸۸	۰/۴۷	۰/۲۲	۰/۰۰۱
حس عاملیت	۰/۵۰	۰/۱۶	۰/۲۲	۳/۱۶	۹/۹۶	۰/۲۲	۰/۴۸	۰/۰۰۲

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که سبک‌های پردازش خردگرایی با ضریب بتای $-۰/۸۸۱$ در سطح $P < .05$ به طور منفی و سبک پردازش شهود گرایی با ضریب بتای $۰/۵۳۹$ به طور مثبت در سطح $P < .05$ ، باورهای خرافی را پیش‌بینی می‌کنند. همچنین حس عاملیت نیز با ضریب بتای $۰/۵۰۴$ در سطح $P < .05$ باورهای خرافی را پیش‌بینی می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، بررسی رابطه باورهای خرافی با سبک‌های پردازش اطلاعات و حس عاملیت در افراد مراجعه کننده به رمال بود. نتایج این پژوهش نشان داد که سبک پردازش خردگرایی با باورهای خرافی همبستگی منفی معنادار و سبک پردازش شهودگرایی با باورهای خرافی همبستگی مثبت معنادار داشته و باورهای خرافی را پیش بینی کردند ($P < 0/01$). این نتایج با یافته های کایشینگ و همکاران (۲۰۱۹)، که در پژوهش خود نشان دادند که افراد با سبک تفکر خردگرایی (منطقی)، احتمال کمتری دارد که خرافات را باور کنند و در مقابل، افراد با سبک پردازش تجربه گرایی (شهودی)، گرایش بیشتری برای پذیرش شایعه دارند، همسو می باشد. همچنین با نتایج پژوهش ایگوین (۲۰۱۱) نیز همسو می باشد که به این نتیجه دست یافت که بین سیستم پردازش تجربه گرایی (شهودی) و باور خرافات و ماوراء الطبیعه، همبستگی مثبت وجود دارد. در تبیین نتایج می توان گفت: سبک خردگرایی، رفتارها را از طریق ارزیابی آگاهانه ی رویدادها میانجی گری می کند. در مقابل، در سبک تجربه گرایی یا شهود گرایی، هرچیزی که دیده می شود، باور می شود، و از این نظر بر گرایش انسان ها برای باور پدیده های خارق العاده و خرافی دلالت دارد (آفرین، ۲۰۱۸). همچنین کنش اجتماعی نیز یکی از موضوعات مهم در علوم اجتماعی به طور عام و حوزه روانشناسی اجتماعی به طور خاص می باشد. کنش های اجتماعی به کنش عقلانی، سنتی و عاطفی تقسیم می شوند. آنچه که در دنیای کنونی اهمیت بسزایی دارد کنش عقلانی است. در کنش عقلانی افراد رفتار حسابگرانه ای دارند، لذا به اموری که عقل بشر را نقض کرده توجه نمی کنند. یعنی هرچقدر کنش افراد عقلانی تر است، گرایش به خرافات و تمام شاخص های آن کمتر می شود (جهان‌شاهی افشار و شمس الدینی مطلق، ۱۳۹۳). به علاوه، بر اساس مدل پردازش اطلاعات اجتماعی، افراد دارای رفتارهای تکانشی یا اطلاعات را به نحو سوگیرانه پردازش می کنند، بدین معنا که به صورت بدبینانه با موقعیت‌های اجتماعی برخورد کرده و یا بدون طی کردن گام‌های پردازش، سریعا وارد گام رفتار می شوند (درزی رامندی و شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۶). علاوه بر این و با توجه به آنچه در تعریف خرافه گفته شد، می توان فهمید که خرافه از ضعف عقل نشأت گرفته است. مقصود، نیروی درک حقایق عالم است که در تحلیل پدیده‌ها به علت حقیقی آنها نظر دارد (کایشینگ و همکاران، ۲۰۲۰). انسان دارای سبک پردازش خردگرایانه انسانی است آماده برای پذیرش تجربیات تازه و دارای استعداد برای ابداع و تغییر، کارآمد بودن و تسلط بر محیط، اما فردی که سبک پردازش شهودی دارد که اغلب در جوامع سنتی زندگی می کند، محکوم به جمود فکری است، فاقد روحیه سودمندانه، اسیر سرنوشت، منفعل و ناتوان در جهت تغییر سرنوشت (دپارتی، سیریگو و نیکو^۱، ۲۰۱۹).

نتایج این پژوهش همچنین نشان داد که بین حس عاملیت و باورهای خرافی همبستگی منفی معنادار وجود دارد و حس عاملیت قادر به پیش بینی باورهای خرافی می باشد که این یافته با نتایج پژوهش مور(۲۰۱۶) که به این نتیجه دست یافت که مردم خرافاتی از احساس عدم کنترل بر رویدادهای زندگی رنج می برند، همسو می باشد. همچنین با نتایج پژوهش هامرمان(۲۰۱۳) و مک گریگور و همکاران(۲۰۰۸)، همسو می باشد، که به این نتیجه دست یافتند که هرچه رویدادها و محیط پیرامون شفاف تر، قابل کنترل تر و قابل پیش بینی تر باشد، به همان اندازه گرایش به باورهای خرافی کاهش می یابد. همچنین با نتیجه پژوهش دهقانی و ابراهیمی(۱۳۹۸) که بیان کردند بین احساس امنیت روانی و باور به خرافات رابطه معنی دار وجود دارد و دانشجویانی که کمترین میزان احساس امنیت روانی و نا اطمینانی به آینده را داشتند، بیشترین میزان گرایش به خرافات را نشان دادند. در بیان علت این همخوانی ها تاکید می شود که از جمله موارد تقویت کننده ی خرافه، تقدیرگرایی است. این پرسش که آیا انسان در انجام کار خود مختار است یا مجبور و آیا عوامل مرئی و نامرئی او را به سوی هدف خاصی سوق می دهند؟ وقتی عدم اختیار و نومیذی از آینده، وجود فرد را فرا بگیرد و فرد حوادث را فراتر از کنترل خود ببیند، احتمال تسلیم در برابر رخدادها و تمسک به هر امر، که احتمال دهد با این امور مرتبط است، بیشتر احساس می شود. مطالعات روان شناسی خرافات نیز نشان می دهد که معمولا در مواقع حساس و لحظاتی که اطمینان به آینده وجود نداشته باشد، خرافات زاده می شود. از آنجا که حس عاملیت ارتباط معنادار با احساس کنترل درونی و توانایی های مقابله ای و حل مسئله مؤثر دارد، لذا افرادی که از حس عاملیت پائینی برخوردارند، مستعد پذیرش باورهای خرافی می باشند(فراهانی، یارمحمدیان، ملک پور و عابدی، ۱۳۹۶). تقدیرگرایی نیز در جوامع سنتی که جامعه ما نیز از این جوامع می باشد، بیشتر مشاهده می شود، از آنجا که این افراد، سرنوشت را قدرت مطلقه در تعیین بدبختی و موفقیت خود می دانند، در مورد کنترل حوادث آتی دارای بی ارادگی و تسلیم می باشند. همچنین روحیه تقدیرگرایی یکی از عواملی است که پذیرش و نوسازی تغییر را در میان این افراد مانع می شود. پرواضح است که نوگرایی بسیاری از عرصه های زندگی اجتماعی را تحت تأثیر قرار می دهد. فرد نو اندیش در هر چیزی که مبنای عقلانی نداشته باشد، با دیده تردید می نگرد، اما فرد غیر نو اندیش، بدون کمترین مقاومت، بسیاری از امور را فارغ از هرگونه پایه عقلانی می پذیرد(فروغی و عسگری مقدم، ۱۳۸۸).

به طور خلاصه می توان گفت که فرضیه های پژوهش تأیید شد و نتایج پژوهش نشان می دهد که سبک‌های پردازش اطلاعات و حس عاملیت با باورهای خرافی رابطه معنی دار دارد و افراد با سبک پردازش خرد گرایی و دارای حس عاملیت بالا و احساس کنترل داشتن بر امور زندگی باورهای خرافی کمتری داشته و لذا کمتر به فالگیر و رمال مراجعه می کنند. بروز پاره‌ای گرایش‌ها و باورهای خرافی بویژه در حوزه اعتقادات و رفتارهای اجتماعی در دهه اخیر زنگ

خطری است که باید به آن توجه داشت. از آنجایی که خرافات همواره با زمینه‌های سیاسی و اجتماعی هر کشور پیوند دارد، پس مغایر با ویژگی‌های مورد نیاز برای توسعه کشور و ترقی و تحولات مثبت اقتصادی و اجتماعی می‌باشد، چرا که انگیزه‌ها و محرک‌های سالم کنش‌گران اجتماعی را تخریب می‌نماید و پیشرفت جامعه را معطل و متوقف می‌سازد (شریعتی و انصافی مهربانی، ۱۳۹۵).

از مهم‌ترین محدودیت‌های پژوهش حاضر، روش نمونه‌گیری در دسترس می‌باشد. همچنین مقایسه نکردن دو گروه مردان و زنان در باورهای خرافی به صورت جداگانه از محدودیت‌های پژوهش حاضر بود. پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی از روش‌های نمونه‌گیری دیگر استفاده شود و همچنین دو گروه به شکل جداگانه مورد بررسی قرار بگیرند و به مطالعه ارتباط متغیرهای دیگری همچون وضعیت تاهل با باورهای خرافی و تاثیر این باورها بر زندگی افراد نیز پرداخته شود. یکی از راه حل‌های کاهش میزان گرایش به خرافات، افزایش آگاهی از طریق آموزش انتقادی است، آموزشی که روحیه پرسشگری و ذهن استدلال‌گر پرورش دهد. این امر با تقویت دانش‌رهایی بخش، به عنوان دانشی که انسان را از قید و بندهای نادرست ذهنی رها کند، تحقق می‌پذیرد.

منابع

- آذرمی، ربابه؛ فرهادی، مهران؛ رشید، خسرو؛ و یارمحمدی واصل، مسیب. (۱۳۹۸). تبیین رفتار خرافی بر اساس سبک‌های دلبستگی و اضطراب در دانشجویان دانشگاه بوعلی. دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، (۲۱) ۷۹، ۹۳-۱۰۰.
- ثروت یاری، کارو؛ گروسی، سرور؛ و یوسفی، فایق. (۱۳۹۷). بررسی فراوانی اعتقاد به خرافات و عوامل مرتبط با آن در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کردستان. مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان، (۲۳) ۴، ۳۶-۲۵.
- جهانشاهی افشار، علی؛ و شمس‌الدینی مطلق، محمد حسن. (۱۳۹۳). ریشه‌های خرافات و کارکرد آن‌ها در فرهنگ مردم (مورد مطالعه: باورهای مردم کرمان). دو فصلنامه فرهنگ ادبیات عامه، (۲) ۳، ۷۷-۵۰.
- حسینی مهدی آبادی، سید مهدی؛ رستمی، چنگیز؛ و یار احمدی، یحیی. (۱۳۹۵). بررسی رابطه سبک‌های پردازش اطلاعات و ناگویی خلقی (مطالعه موردی زنان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) شهر کرمانشاه). مجله علوم پزشکی زانکو، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، (۱۶) ۵۲، ۴۵-۲۳.
- حیدریه زاده، بهاره السادات. (۱۳۹۷). بررسی نقش خرافات و باورهای خرافی در ارتباط با سلامت روان. دومین کنفرانس بین‌المللی نوآوری و تحقیق در اخلاق و تربیت، مناسبات دین

- و روانشناسی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی، <https://www.Civilica.com/Paper-ENPCONF02-ENPCONF02-002.html>
- خالق پناه، کال؛ میرزا وندیان، فاطمه؛ و جلوند، اختر. (۱۳۹۵). دین عامه، ناکامی های عینی و استراتژی زنانه امیدواری: مطالعه تجربه دعا نویسی در شهر سنج. پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، (۱)، ۴، ۳۳-۱.
- درزی رامندی، اعظم؛ و شیخ‌الاسلامی، راضیه. (۱۳۹۶). الگوی معادلات ساختاری از روابط بین پذیرش - طرد والدین، پردازش اطلاعات اجتماعی و پرخاشگری نوجوانان. مجله پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، (۷)، ۳، ۵۹-۳۸.
- دهقانی، حمید؛ و ابراهیمی، حدیقه. (۱۳۹۸). مطالعه احساس امنیت روانی و اجتماعی با گرایش به خرافات. مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه اصفهان. فصلنامه پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی، (۴)، ۲۷، ۹۹-۱۲۲.
- ربیعی، کامران. (۱۳۹۴). توسعه اجتماعی - اقتصادی و تاثیر آن بر تلقی افراد از چیستی خرافات، مطالعه موردی: شهرستان‌های استان اصفهان. فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، (۴)، ۶۰، ۱۴۸-۱۲۹.
- رضایی، علی. (۱۳۹۱). بررسی ساختار عاملی و پایایی پرسش‌نامه سبک‌های پردازش اطلاعات شهودی - خردگرایانه در جامعه دانشجویان. مجله تحقیقات علوم رفتاری، (۱۰)، ۱، ۲۹-۲۰.
- رضانی، خسرو. (۱۳۹۷). بررسی مقایسه‌ای رسوخ خرافات در نگرش به شیوه‌های بهداشتی و درمانی عامه مردم و تحصیل کرده‌های دانشگاهی استان کهگیلویه و بویر احمد. فصلنامه جامعه پژوهی فرهنگی، (۹)، ۴، ۲۵-۴۰.
- سنگدهی حمیدی، سید علی. (۱۳۹۸). مبنا و ریشه باورهای عامیانه و ریشه‌های علمی آن. فصلنامه مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، (۱۸)، ۱، ۵۲-۴۳.
- شریعتی، سید صدرالدین؛ انصافی مهربانی، سپیده. (۱۳۹۵). نگاهی به خرافه پرستی در ایران و جهان و راهکار تربیتی مواجهه با آن. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، (۲۶)، ۶، ۲۶-۱.
- شعبی، فاطمه. (۱۳۹۲). روان‌شناسی خرافات. تهران: انتشارات الکترونیکی.
- صفایی، صفی‌اله؛ طیبی‌نیا، موسی؛ عرفانی، نصراله. (۱۳۸۹). بررسی عوامل جامعه‌شناختی مرتبط با خرافات. فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، (۱)، ۲۸، ۱۸۲-۱۵۶.
- صرفی، محمدرضا. (۱۳۹۱). باورهای مردم کرمان. کرمان: دانشگاه شهید باهنر.
- عمید، حمید. (۱۳۶۵). لغت نامه فارسی. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- فراهانی، علی؛ یار محمدیان، احمد؛ ملک پور، مختار؛ و عابدی، احمد. (۱۳۹۶). ساخت و اعتبار یابی پرسشنامه احساس عاملیت نابینایان. فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی - دانشگاه علامه طباطبائی، (۳۰)، ۹۶، ۱۸۸-۱۶۵.

- فروغی، علی؛ عسگری مقدم، رضا. (۱۳۸۸). بررسی میزان گرایش به خرافات در بین شهروندان تهرانی. فصلنامه راهبرد، ۱۸(۵۳)، ۱۹۱-۱۶۱.
- مهدی زاده، زهرا؛ ابوالقاسمی، عباس؛ رستم اوغلی، زهرا. (۱۳۹۳). نقش پردازش اطلاعات و سبک‌های اسناد در پیش بینی کیفیت زندگی دانش آموزان دارای بدشکلی بدن. فصلنامه روان شناسی مدرسه، ۳(۴)، ۱۱۱-۱۲۷.
- Adam, T., Ela, O., Reuven, D, and Baruch, E (2017). The Sense of Agency Scale: A measure of Consciousness Control over one's mind, Body, and the Immediate Environment, 8(15) 1-11.
- Afreen, F. (2018.) Social and Psychological factors for Superstition: A Brief Literature Review, International Journal of Advanced Study and Research, Work. 1(5) 1-6.
- Arad, A. (2014). Avoiding greedy behavior in situations of uncertainty: The role of magical thinking. Journal of Behavioral and Experimental Economics, 53, 17- 23.
- Bandura, A. (2006). Guide for constructing self – efficacy scales. In F, Pajares, & T. Urdan (Eds.), self – efficacy beliefs of adolescents (PP. 307 - 337). Greenwich, CT: Information Age Publishing.
- Day, L. & Maltby, J. (2005) "With Good Luck: Belief in Good Luck and Cognitive Planning". Personality and Individual Differences, 39, 1217-1226.
- Daparti, E., Sirigu, A., and Nico, D. (2019). Superstitious beliefs and the associative mind, Journal of Consciousness and Cognition, 4(75) 1-13.
- Ebrahimi Zad, R. (2014). Superstitious beliefs and some of its causes (Case Study: Ghachsaran Citizens). Department of Persian Language, Tehran Central branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. Academy for Environment and Life Sciences, India. Bull. Env. Pharmacol. Life Sci., 3 (Spl issue II) 286-290.
- Epstein S, Pacini R. (1999). Some basic issues regarding dual-process theories from the perspective of cognitive-experiential self-theory. Dual-process theories in social psychology, 462-82.
- Eugene, S, S. (2011) The intuitive style: Relationships with local/global and verbal/visual styles, gender, and superstitious reasoning. Learning and Individual Differences, 21, 263-270.
- Farrer, C., Valentin, G. & Hupe, J. M. (2013). The time windows of the sense of agency. Consciousness and Cognition, 22, 1431-1441.
- Greenhill, K. M., & Oppenheim, B. (2017). Rumor has it: The adoption of unverified information in conflict zones. International Studies Quarterly, 61(3) 660-676. [https:// doi. Org/ 10. 1093/ isq/ sqx015](https://doi.org/10.1093/isq/sqx015).
- Hamerman, E.j., & Johar, G. V. (2013). Conditioned superstition Desire for control and consumer brand preferences. Journal of Consumer Research, 40, 428- 443. 10. 1086/670762.
- Harish R (2016). Superstitions in society and steps to eradicate, International Journal of Applied Research, 2(6) 77-81.

- Hirokava, K. & Dohi, I. (2007). Agency and Communion Related to Mental Health in Japanese Young Adults. *Sex Roles*, 56, 517–524.
- Jane, L., Risen. (2016). Believing What We Do Not Believe: Acquiescence to Superstitious Beliefs and Other Powerful Intuitions, *123(2)* 182-207.
- Kaisheng, L., Xiong, X, Xiaoya, J, Meiqi, S, Lingnan, H.(2020). Who falls for rumor? Influence of Personality traits on false rumor belief. *Journal of Personality and Individual Differences*, 152(8) 1-6.
- Lam, D. & Ka Chio Fong, D. (2018). Controllable superstition and its relationship with enduring and behavioural involvement in gambling, *Journal of International Gambling Studies*, 18 (2) 92-110.
- Lazer, D. M., Baum, M. A., Benkler, Y., Berinsky, A. J., Greenhill, K. M., et al. (2018). The science of fake news. *Science*, 359(6380) 1094- 1096.
- MacGregor, A., Haji, R., Nash, K.A. & Taper, R. (2008). Religious zeal and the Uncertain self. *Basic and Applied Social Psychology*, 30, 183- 188.
- Moor, W, J.(2016). What Is the Sense of Agency and Why Does it Matter?, Department of Psychology, Goldsmiths university of London.
- Ofori, K., Tod, D., and Lavalle, D. (2017). Predictors of Superstitious Beliefs, *Journal of Psychology In Africa*, 27(1) 237- 245.
- Oren, E., Friedmann, N., and Dar, R. (2016). Things happen: individuals with high obsessive compulsive tendencies omit agency in their spoken language. *Conscious. Cogn*, 42, 125-134.
- Risen, J., L. (2016). Believing What We Do Not Believe: Acquiescence to Superstitious Beliefs and Other Powerful Intuitions, *Journal of Psychological Review*, 2(123) 182–207.
- Woody, E.,Z., Polito V, Barnier A.,J.(2013). Developing the Sense of Agency Rating Scale (SOARS): an empirical measure of agency disruption in hypnosis. *J Conscious Cogn*, 22(3) 684-96.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی